۲۶۴ سارق در آخرین عملیات پلیس آگاهی پایتخت بازداشت شدند

دزد ۷۳ ساله نمره ۲۰ گرفت!

■ غلامرضا مسکنی

ظاهراً پلیس امسال برای اراذل و اوباش و سارقان نقشه خاص دارد، هرچند می‌دانیم که کاستن از جرم و سرقت، فقط بر عهده پلیس و در توان او نیست. دیروز پلیس پایتخت از دستگیری ۲۶۴ سارق در عرض ۴۸ ساعت خبر داد. یکی از سارقان که پیرمردی ۷۳ ساله بود و به گفته رئیس پلیس پایتخت با کت‌وشلوار و خیلی شیک و مجلسی با دسته کلید به دزدی خانه‌ها می‌رفت، قبلاً ۱۹ بار دستگیر شده و این بیستمین بار او بود و رئیس پلیس برای همین به او گفت دیگر نمره‌ات ۲۰ شده است! پیرمرد سارق هم گفت دیگر این بار قبرم را هم خریده‌ام و بعد از آزادی می‌روم دنبال آخر تم! اما گوش پلیس و قاضی از این حرف‌ها پر است. چون خود ایرج به خبرنگاران گفته در این سن و سال شیشه می‌کشد و احساس می‌کند اژدهاست و برای همین دوستانش به او «ایرج اژدها» می‌گویند بعید نیست فکر خریدن قبر و پشیمانی یک فکر اژدهایی باشد.

طرح مبارزه با سارقان و اراذل و اوباش با دستور فرمانده کل انتظامی امسال وارد مرحله تازه‌ای شد و مأموران پلیس با تمام نیرو و با قاطعیت تمام با مجرمان برخورد می‌کنند. در همین راستا صبح دیروز سه‌شنبه نهم اردیبهشت ماه ۲۶۴ سارق و مالخر که طی ۴۸ ساعت گذشته دستگیر شده‌بودند، در محوطه پلیس آگاهی بخط شدند تا برای سایر سارقان و زورگیران درس عبرتی شود که بدانند راه فراری از دست مأموران پلیس وجود ندارد. در میان سارقان دستگیر شده نوجوانان ۱۸ و ۲۰ ساله با اولین تجربه سرقت تا پیرمرد ۷۳ ساله با ۲۰ سابقه کیفری دیده می‌شوند.

■ **سارق کهنه‌کار**

یکی از صحنه‌های جالب طرح نمایش سارقان دستگیرشده گفت‌وگوی سردار عباسعلی محمدیان، رئیس پلیس تهران بزرگ با سارق کهنه‌کاری بود که برای بیستمین‌بار از سوی مأموران دستگیر شده‌است. سردار محمدیان در مواجهه با سارق ۷۳ ساله به وی در ارتکاب جرائم نمره ۲۰ داد و از او سؤال کرد قصد ندارد خودش را بازنشسته کند.

سردار محمدیان خطاب به سارق سالخورده «بالاخره پس از ۱۹ بار دستگیری و زندان و با دستگیری این بار هم نمره‌ات شد ۲۰، با این سن و سال نمی‌خواهی از سرقت دست برداری؟ البته عبرت نگرفتی که در این سن هنوز سرقت‌هایت را ادامه می‌دهی.» سارق سالخورده گفت: «ان‌شاءالله می‌میرم و دیگر در اینجا پیدایم نمی‌شود، قبرم را خریده‌ام و آخرینش هم امتحان کردم تا بروم برای آن دنیا.» در ادامه فرمانده انتظامی تهران بزرگ به رئیس پلیس آگاهی پایتخت دستور داد با توجه به اینکه این متهم در این مدت عبرتی نگرفته، جزو آن دسته افرادی است که اگر زنده از زندان بیرون آمد باید همیشه تحت کنترل باشد.

■ **هشدار به سارقان**

سردار عباسعلی محمدیان در حاشیه این طرح با اشاره به سخنان سردار رادان که سال ۱۴۰۴ سال سختی برای سارقان خواهد بود، گفت: «۲۶۴ سارق در قالب ۵۶ باند فعال بودند که در ۴۸ ساعت گذشته با تلاش مأموران دستگیر شدند و بیش از ۳۷۰ گوشی تلفن همراه کامل و ۱۰۰ گوشی خرد شده، شامل رم و بخشی از گوشی از متهمان کشف شد.»

وی افزود: «واحدهای صنفی که اقدام به مالخری و فروش اموال سرقتی می‌کنند بدانند که علاوه بر مجازات مالخری و پرداخت خسارت به مالباخته، واحد صنفی پلمب شده و مجاز به دریافت پروانه کسب نخواهد بود.»

فرمانده انتظامی پایتخت با هشدار به مجرمان ادامه داد: «با سارق، اوباش و مزاحم نوامیس تعارف نداریم، اگر مقاومت بکنند هدف گلوله قرار می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم، دستگیری سارقان و مالخران آنهاست که ما به مردم اطمینان می‌دهیم که این اقدام ۲۴ ساعته در حال انجام است و در این‌باره هیچ توقفی در کار ما وجود ندارد. سارقان و مالخران بدانند که همه آنها به زودی شناسایی و دستگیر می‌شوند، چون پلیس از همه شیوه‌های آنها مطلع است و پایان کار همه این افراد زندان است. امیدواریم این افراد دست از اقدامات مجرمانه خود بردارند و برای کسب روزی حلال، به شغل‌های واقعی روی آورند، وگرنه دست پلیس به دست همه آنها بسته می‌شود.»

سرقت برای دیدن تتلو

یکی از سارقان دستگیرشده پسر جوانی است که مدعی است به عشق تتلو سرقت می‌کرده تا پس از دستگیری تتلو را در زندان ببیند.

سابقه داری؟

نه من اولین‌بار است که دستگیر می‌شوم.

قبلاً چه کار می‌کردی؟

من در نمایشگاه خودرو کار می‌کردم و درآمدم خوب بود. البته عاشق موسیقی رپ هستم و دوست داشتم در آینده خواننده شوم.

پس چه شد که سارق شدی؟

به خاطر همین عشق به خوانندگی رپ بود که تصمیم گرفتم سرقت کنم، چون دوست داشتم یکی از خواننده‌های مشهور رپ را در زندان ببینم.

کدام خواننده؟

من عاشق تتلو هستم و تمامی آهنگ‌های او را حفظم و مدام برای خودم و دوستانم می‌خوانم. به همین‌خاطر تصمیم گرفتم سرقت کنم تا پس از دستگیری به زندان بیفتم و تتلو را از نزدیک ببینم و مدتی هم سلولی او باشم. می‌دانستم خلاف به هر حال آخرش دستگیری و زندان است. به قولی دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. حتی گیتار هم یاد گرفتم تا وقتی در زندان تتلو را دیدم، به او بگویم به عشق او گیتار هم می‌زنم.

بدنت را به خاطر تتلو خالکوبی کردی؟

بله، من تمام بدنم را به خاطر تتلو خالکوبی کردم و می‌خواستم شبیه او شوم. البته تصمیم داشتم صورتم را هم خالکوبی کنم، اما مادرم راضی نشد و من هم دلم نیامد دل مادرم را بشکنم و صورتم را خالکوبی نکردم.

چطور مطمئن بودی پس از دستگیری به همان زندان تتلو بروی؟

امید داشتم و حتی نذر هم کردم که به همان زندان بیفتم!

چه سرقت می‌کردی؟

من همراه دو، سه نفر دیگر موبایل‌قاپی می‌کردم.

الان خوشحالی که دستگیر شدی؟

اگر تتلو را ببینم، بله.

سرقت از دختر رزمی‌کار

کیوان و پیمان دو سارق ۱۸ ساله هستند که آنها هم هیچ سابقه‌ای در پرونده‌شان وجود ندارد و برای اولین بار به جرم موبایل‌قاپی دستگیر شده‌اند. کیوان همان سارقی است که مدتی قبل فیلم سرقتش از دختر جوان رزمی‌کار در خیابان قیطریه دست به دست شد و در همان سرقت هم از دختر رزمی‌کار کتک خورد، اما موفق به سرقت شد.

کیوان سابقه داری؟

نه، من برای اولین‌بار دستگیر شدم.

فیلم سرقتت را در فضای مجازی دیدی؟

(می‌خندد) بله دیدم و خاطره کتک‌خوری هم برایم زنده شد. آن شب از دختر جوان کتک درست و حسابی خوردم.

درباره سرقت آن شب توضیح بده؟

باور کن آن سرقت اولین سرقت ما بود. شب با دوستانم قرص خورده بودیم و توهم داشتیم که تصمیم گرفتیم به یکی از خیابان‌های شمالی تهران برویم و گوشی‌قاپی کنیم. داخل کوچه و خیابان دور دور می‌کردیم که در کوچه خلوتی چشم‌مان افتاد به دختر جوانی و تصمیم گرفتیم گوشی‌اش را سرقت کنیم. من از موتور پیاده شدم و از پشت سر گوشی او را قاپیدم، اما خبر نداشتم که او رزمی‌کار است. دختر جوان مرا در چشم به‌هم‌زدنی به زمین زد، اما ما دو نفر بودیم و با اینکه از او کتک خوردم، موفق شدم گوشی‌اش را سرقت کنم.

گوشی سرقتی را چند فروختی؟

گوشی‌اش آیفون ۱۱ پرومکس بود و ۱۰ میلیون تومان فروختیم. البته باند ما چهار نفره است. من و همدستم ۱۸ سال سن داریم و دو همدست دیگرمان زیر ۱۸ سال هستند که هر کدام ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان گیرمان آمد و خوشگذرانی کردیم.

بعد از آن، سرقت‌هایتان را ادامه دادید؟

بله. روز دوم دو گوشی دیگر هم سرقت کردیم و در سومین سرقت دستگیر شدیم. یعنی کل سرقت‌های ما دو روز بیشتر طول نکشید که در دام مأموران گرفتار شدیم.

ارزشش را داشت؟

نه. ما دور هم نشسته بودیم و قرص مصرف کردیم و بعد هم چهار نفری تصمیم گرفتیم سرقت کنیم. البته فکر نمی‌کردیم به این زودی دستگیر شویم. الان خیلی پشیمان هستم.

از صدای موتور می‌ترسم

یکی از شاکیان زن جوانی است که برای تشکر از مأموران پلیس به خاطر دستگیری سارق گردنبندش به پلیس آگاهی آمده‌است. او خبر نداشت که علاوه بر دستگیری سارق، مأموران گردنبند ۲۰۰ میلیونی‌اش را هم کشف کرده‌اند. وقتی گردنبند قیمتی‌اش را از سردار محمدیان تحویل گرفت، لحظاتی شگفت‌زده شد و بعد از مأموران تشکر کرد.

زن جوان در توضیح ماجرا گفت: «ساعت ۱۲:۲۰ ظهر روز بیست‌ونهم اسفندماه سال قبل همراه برادرم برای خرید لوستر به چهارراه منصور رفتیم. پس از خرید لوستر تصمیم گرفتیم به مغازه روبه‌رویی که لوازم الکتریکی داشت برویم و لامپ هم بخریم. از مغازه لوستر فروشی بیرون آمدیم و وارد مغازه الکتریکی شدیم، اما غافل از این بودم که سارق بی‌رحمی از قبل با دیدن گردنبندم در کمین من است و سایه به سایه مرا تعقیب می‌کند. لامپ و لوازم دیگر الکتریکی که لازم داشتیم، خریدیم و وارد خیابان شدیم و به طرف خودرویمان حرکت کردیم. هنوز چند قدمی از مغازه دور نشده‌بودیم که ناگهان موتورسیکلتی به من نزدیک شد و در یک چشم به‌هم زدن دستش را به گردنبندم رساند و محکم کشید. آنقدر سریع بود که یک لحظه شوکه شده‌بودم و حتی متوجه نشدم که یقه لباسم پاره و به گردنم آسیب وارد شده‌است. مات و مبهوت بودیم و گردنبندقاپ هم با سرعت زیاد از محل فرار کرد. پس از این به اداره پلیس رفتیم و شکایت کردیم. در آن لحظه شوک بدی به من دست داد، به طوری که الان پس از گذشت یک و ماه چند روز من هنوز از صدای موتورسیکلتی که از کنارم عبور می‌کند هراس دارم و ترس به جانم می‌افتد.

گردنبندم ارزش زیادی داشت و من هرگز فکر نمی‌کردم مأموران پلیس بتوانند سارق را دستگیر کنند و گردنبند قیمتی‌ام را به من برگردانند. قدرشناس زحمت‌های مأموران پلیس هستم که بدون هیچ چشمداشتی و فقط برای آرامش و امنیت ما شبانه‌روز در درگیری با مجرمان از جان خود مایه می‌گذارند. من به عنوان کسی که در دام سارقی گرفتار شدم به شهروندان و به خصوص به زنان توصیه می‌کنم که زیورآلات و جواهرات خود را در معرض دید سارقان و زورگیران قرار ندهند.

۲۰ سابقه زندان برای سارق کهنه کار

ایرج سارق کهنه‌کاری است که در سن ۷۳ سالگی هم مرتکب سرقت شده‌است. این سارق کهنه‌کار بیشتر عمرش را پشت میله‌های زندان سپری کرده‌است، اما باز هم برای او عبرت نشده‌است. به گفته خودش با مرگش سرقتش هم تمام می‌شود.

چند بار دستگیر شدی؟

۱۹ بار قبل از این به اتهام سرقت بازداشت شدم و الان هم بیستمین‌بار است که دستگیر شده‌ام.

چند ساله بودی که شروع به سرقت کردی؟

جوان بودم که وارد جرگه خلافکاران شدم. اگر اشتباه نکنم، اولین‌بار که دستگیر شدم و به زندان افتادم ۲۵ ساله بودم.

چه سرقت می‌کردی؟

در دوران جوانی فقط موتورسیکلت سرقت می‌کردم. عشق و علاقه زیادی به موتور داشتم و به همین‌خاطر موتور سرقت و بعد از سرقت هم با آن تفریح می‌کردم و در ادامه هم می‌فروختم.

اما الان به اتهام سرقت خانه دستگیر شدی؟

بله. من کلکسیونی از جرائم در پرونده‌ام دارم. یعنی همه نوع سرقت را امتحان کرده‌ام، اما سرقت اصلی‌ام که حرفه‌ای هستم سرقت از منزل است.

همدست داری؟

نه. من دزد تکرو هستم. از همان ابتدا هم اصلاً حوصله سر و کله زدن با همدست را نداشتم و دوست داشتم تنها باشم.

شیوه سرقتت چطوری است؟

در سرقت منزل همه فن حریف هستم. از شاه کلید گرفته تا شکستن شیشه و تخریب قفل در و توپی‌زنی.

معتادی؟

بله، شیشه می‌کشم. وقتی شیشه می‌کشم، فکر می‌کنم اژدها هستم و به همین‌خاطر دوستانم مرا به ایرج اژدها می‌شناسند.

از سرقت خسته نشدی؟

خسته شدم و فکر می‌کنم آخرین سرقت‌هایم را انجام داده‌ام و در آخر خطم و می‌میرم. حتی قبرم را هم خریده‌ام.

دزد بدشانس

فرزاد، سارق دیگری است که دستگیر شده و به گفته خودش ورزشکار است و مدال قهرمانی کشتی دارد، اما در رفت و آمد با دوستان ناباب سارق شده و در سرقت‌ها شانس هیچ وقت همراه او نبوده‌است.

فرزاد معتادی؟

بله، چند سالی است معتاد شده‌ام، اما قبل از این ورزش می‌کردم و حتی مدال قهرمانی کشتی هم دارم.

چه شد که قهرمان کشتی سارق شد؟

رفت و آمد با دوستان ناباب. ورزشکار بودم و دوستانم که بعد فهمیدم دوست نبودند و دشمن بودند. مرا فریب دادند و معتاد به مواد مخدر کردند.

به همین دلیل سارق شدی؟

بله. وقتی معتادم کردند، مجبور شدم همراه آنها به سرقت بروم. چون برای تأمین مواد نیاز به پول داشتم. به هر حال سارق شدم، اما بعد که متوجه شدم چه بلایی سرم آمده تصمیم گرفتم از آنها جدا شوم.

یعنی سرقت را کنار گذاشتی؟

نه تکرو شدم و همراه آنها نرفتم، چون از آنها خوشم نمی‌آمد.

چه سرقت می‌کردی؟

سرقت منزل می‌رفتم. بالکن‌رو بودم. از طریق بالکن وارد خانه‌ها می‌شدم و فقط هم طلا، پول و سکه سرقت می‌کردم.

پس پول خوبی به جیب زدی؟

نه. من در تمامی سرقت‌هایم بدشانسی می‌آوردم. باور کن هیچی گیرم نمی‌آمد. هر خانه‌ای که می‌رفتم دست خالی بر می‌گشتم. هر چقدر جست‌وجو می‌کردم طلا، پول و سکه‌ای پیدا نمی‌کردم و اگر هم پیدا می‌کردم هنگام فروش متوجه می‌شدم طلاها بدل است. فقط در آخرین سرقت پول خوبی گیرم آمد که باز هم بدشانسی آوردم.

چرا؟

در آخرین سرقت به خانه‌ای رفتم و از داخل لیف حمام و خاک گلدان‌ها مقدار زیادی طلا و سکه پیدا کردم. خیلی خوشحال شدم و با خودم گفتم گنج خوبی به دست آوردم، اما دو روز بعد دستگیر شدم و فرصت نکردم بفروشم و با آن خوشگذرانی کنم.

یادداشت

نقش رسانه‌ای حادثه بندرعباس

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

اطلاع‌رسانی درباره حادثه انفجار در بندر شهید رجایی بندرعباس به سیاق اتفاق‌های ناگواری که جامعه را تحت تأثیر قرار داد با معضلات بسیاری مواجه بود. روشن است با وقوع اتفاق‌هایی که دربرگیری بسیاری دارد، عطش مخاطبان برای پی بردن به جزئیات حادثه سبب می‌شود، منابع متفاوت خبری را دنبال کنند، از همین‌رو وقتی روایت اول از دست رسانه‌های رسمی خارج شود، رسانه‌های غیررسمی قدرت می‌گیرند. با وجود اینکه بحران‌های بسیاری در کشور اتفاق می‌افتد، ساختار قانونی کشور هنوز موفق به مدیریت میدان نشده است، از همین‌رو انسان‌رسانه‌ها فرصت تولید محتوا از کانون حادثه را پیدا می‌کنند و بدون در نظر گرفتن ملاحظات انسانی و اخلاقی اقدام به بازنشر محتواهای تولید شده می‌کنند. رقابت بر سر انتشار این دسته از محتواها سبب می‌شود امنیت روانی جامعه بیش از هر زمان دیگری از دست برود. این اتفاق در حادثه بندرعباس هم نمود بسیاری داشت و تصاویری با محتواهای دلخراش به سرعت بین کاربران دست به دست شد و جامعه را متأثر کرد.

نبود سخنگوی واحد در چنین شرایطی سبب می‌شود رسانه‌ها برای دسترسی به آمار و اطلاعات به منابع خبری متفاوت مثل اورژانس، هلال احمر، آتش‌نشانی و منابع دیگر مراجعه و آمار و اطلاعات خود را منتشر کنند، از همین‌رو شاهد هستیم از اتفاق واحد، آمار و گزارش‌های متفاوتی منتشر می‌شود و به ابهام‌های موجود قوت می‌بخشد. در چنین وضعیتی انتظار می‌رود ساختار قانونی از سخنگوی واحدی که قدرت ارتباط رسانه‌ای داشته باشد، استفاده کند. در کنار این موضوع، مدیران استانی و کشوری هم باید نسبت به این موضوع توجیه شوند که اطلاع‌رسانی درباره حادثه باید از طریق سخنگوی واحد دنبال شود. اتفاق‌های ناگوار در هر جای جهان امکان بروز دارد، اما در جامعه ما این موضوع همواره به ابزار رسانه‌های معاند برای نشان دادن ناکارآمدی دولت‌ها استفاده می‌شود. فداکاری مردم در خونرسانی به مجروحان حادثه اتفاقی بود که جامعه را تحت تأثیر قرار داد، اما اینها موضوعاتی نیستند که در رسانه‌های معاند دیده شوند. روشن است اگر اتفاقی مشابه در لندن یا پاریس رقم بخورد، آنها هرگز جرئت کمترین گلایه به ناکارآمدی دولت‌های کشورهای مورد نظر را ندارند، اما در عناد با جامعه ما همواره با هم در رقابت هستند، از همین‌رو ساختار قانونی کشور باید با از سر گذراندن تجربه‌های مشابه امکان دست یافتن آنها به اهدفشان را ناکام بگذارد و شرایط به‌گونه‌ای باشد که اخبار و اطلاع درست در کمترین زمان به دست مخاطبان برسد.

اعتراف پسر بیمار به قتل پدر

پسری که از بیماری روانی رنج می‌برد، پدرش را با ضربات چکش به قتل رساند که بازداشت شد.

ساعت ۲ بامداد روز گذشته، مأموران کلانتری فلسطین موسی رضازاده، بازپرس ویژه قتل را از حادثه‌ای خونین با خبر کردند. لحظاتی بعد بازپرس همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد. جسد متعلق به مردی ۶۵ ساله بود که با ضربات چکش در سرویس بهداشتی به قتل رسیده‌بود. مأموران در اولین گام عامل قتل را که پسر ۴۴ ساله خانواده بود، بازداشت کردند. همسر مقتول در اولین تحقیقات گفت: شوهرم در یک شرکت خصوصی کار می‌کند. او امشب به دلیل فشار خون بالا به مرکز درمانی رفت و بعد از معالجه به خانه برگشت و در حال استراحت بود. من به خانه یکی از بستگان رفتم. ساعتی قبل که برگشتم دیدم از داخل سرویس بهداشتی صدای درگیری می‌آید. شوهر و پسرم با هم درگیر شده‌بودند که به پلیس خبر دادم. وقتی مأموران رسیدند، در را باز کردند که دیدیم پسرم با ضربات چکش پدرش را به قتل رسانده‌است.

همسر مقتول ادامه داد: پسرم ۲۵ سال قبل به امریکا رفت. او بیماری دو قطبی داشت و حال روانی‌اش اصلاً خوب نبود. او را به ایران آوردیم تا درمان کنیم، اما مقاومت می‌کرد و حاضر به بستری در بیمارستان نمی‌شد. او به مصرف گل هم اعتیاد داشت و پدرش هم تلاش می‌کرد او را درمان کند، اما حاضر به ترک مواد و درمان بیماری‌اش نبود که حادثه اتفاق افتاد.

متهم نیز در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت از مدتی قبل پدرش تلاش می‌کرد او مواد را ترک کند و او را برای درمان در بیمارستان بستری کند، اما حاضر به این کار نمی‌شد و شب حادثه سر همین موضوع با پدرش درگیر شده و حادثه را رقم زده‌است.

بعد از آن بود که جسد به دستور بازپرس به پزشکی قانونی و متهم برای بررسی سلامت روانی‌اش در اختیار پزشکی قانونی قرار گرفت.

سوختگی ۱۰ دانش‌آموز در آتش‌سوزی سرویس مدرسه

آتش گرفتن سرویس مدرسه در ارومیه منجر به سوختگی ۱۰ دانش‌آموز دختر و راننده شد.

فرزین رضازاده، رئیس اورژانس استان آذربایجان‌غربی گفت: ساعت ۱۴:۱۶ ظهر دیروز با اعلام حادثه سرویس مدرسه دخترانه(ون) حوالی بلوار مدرس، خیابان شهید محمدنژاد امدادگران در محل حاضر و مصدومان به بیمارستان امام خمینی(ره) منتقل شدند. وی افزود: در این حادثه ۱۰ دانش‌آموز دختر به همراه راننده دچار مصدومیت شدند که تعداد چهار نفر دچار سوختگی سطحی تا قابل توجه هستند.